

## «دست‌نوشته عتیق»

### از مناقب ابن شهر آشوب»

جویا جهانبخش

دست‌نوشته‌های اسلامی فراوانی در سراسر جهان پراکنده است که از شمار و چند و چون آنها آگاهی دقیق و کافی نداریم. در کشور خودمان نیز هنوز اطلاع مدوّن و بسامان و مجموعی از مجموعه دست‌نوشته‌های کتابخانه‌های دولتی و عمومی به دست نیست تا چه رسد به دست‌نوشته‌هایی که در کنج خانه‌هایند و اگر از زوال و تلف جان به در برند، باز دانسته نیست چه سرنوشتی چشم می‌داردشان!

این ناچیز که همواره در شوق زیارت و بهره‌مندی از مآثر تمدن شکوهمند اسلامی غوطه‌ورست، چندی پیش به راهنمایی و اشارت استاد گرامی آقای رسول جعفریان، -دام‌فضله-، به آستان یادگاری کرامند از سده‌های دور، باریافت؛ و این قلم‌انداز که باز به اشارت همان سرور ارجمند صورت پذیرفته، بازتاب آن زیارت خجسته است که نعمت تکرار با آن همبر شد و -بشرحی که بیاید- به همنشینی بدل گردید. والحمد لله حمد الشاکرین.

#### یادی از ابن شهر آشوب و مناقب وی<sup>۱</sup>

ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب بن ابی نصر بن ابی الجیش مازندرانی، ملقب به رشیدالدین و عزالدین، مفسّر، محدث، ادیب و فقیه‌ی امامی است که از نسبت «سروی» برمی‌آید که اصل این خاندان از ساری باشد، ولی دقیقاً دانسته نیست وی کجا زاده شده است. به هر روی، ولادتش در سال ۴۸۹ هـ. ق رخ داده است. وی سفرهای علمی فراوانی داشته و

در طول عمر دراز پربرکتش به افاضه و استفاضه فراوان، چه کتبی و چه شفاهی، کامیاب گردیده است.

از جمله استادانش احمد غزالی، جلال‌الله زمخشری، ابوعلی طبرسی، ابوالحسن بیهقی فرید خراسان، خطیب خوارزمی و قطب‌الدین راوندی‌اند و از شمار شاگردانش ابن ادریس حلّی و ابن بطریق حلّی و ابن ابی طی حلّی و ابن زهره حلّی، نام‌ورترند.

آوازه‌مندترین آثار ابن شهر آشوب اینهاست: ۱) مناقب ابی طالب - علیهم السلام - ۲) معالم العلماء (۳) متشابه القرآن و مختلفه. ۴) مناقب النواصب.

ابن شهر آشوب در گستره آگاهی‌ها و جامعیت و منش علمی مردی کم‌مانند و از اعظام مفاخر اسلام است. گذشته از تبحر علمی، طبعی موزون نیز داشته و شعر می‌سروده است.

از حیث توثیق رجالی تا سده ۱۱ ق. درباره او سکوت شده، ولی در این سده میرداماد اجتهاداً وی را توثیق کرد و پس از آن در کتب رجالی به تکرار به توثیق وی پرداخته شده است.

ابن شهر آشوب ۱۶ شعبان ۵۸۸ ق. در حلب درگذشته و در جبل الجوشن در نزدیکی محلی مشهور به مشهد الحسین - علیه السلام - به خاک سپرده شده است.

شاید بتوان گفت «مناقب آل ابی طالب (ع)» مهم‌ترین یادگار اوست. این کتاب نخست در ۱۳۱۳ ق. در بمبئی و پس از آن به کرآت در ایران و عراق چاپ گردیده است.

تألیف مناقب اندکی پس از ۵۵۳ ق. در بغداد صورت گرفته است. بر بنیاد آنچه در دیباچه آن آمده، این کتاب با یادکرد مناقب پیامبر (ص) آغاز شده، آنگاه به یادکرد امامان (ع) پرداخته و سپس صحابه و تابعان را یاد نموده است؛ لیک نسخه موجود با یاد امام حسن عسکری (ص) پایان می‌پذیرد. احتمال اینکه مابقی مناقب

۱. درباره حیات و آثار ابن شهر آشوب، ر. ک: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مقاله «ابن شهر آشوب» (ج ۴، ص ۹۰-۹۲)؛ طبقات اعلام الشيعة (الفتاوی العیون فی سادس القرون)، تحقیق: علی نقی منزوی، ۲۷۳ و ۲۷۴.

کتب خاندان ظلّ السلطان، بجدّ نگرستی و دربر دارنده نفایسی است دیدنی و بررسیدنی.

دست نوشت دیرینه مناقب که در کنج گنجینه آرمیده است، به رغم اهمیّت و دُرْدانگی چشمگیرش و با این که - هر چند باجمال - سال ها پیش نام و یاد و نشانش در فهرست ناتمام مانده ای به نام «فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان»<sup>۲</sup> آمده، - بناسزا - دیری است که مغفول و مجهول مانده و جز ویژگیان کسی از روز و حال آن سراغی نجسته است.

دریغ که از سرنوشت دست نوشت کرآمد یاد شده آگاهی زیادی نداریم و روشن نمی دانیم کی به اصفهان و چگونه به گنجینه کتابخانه فرهنگ سابق راه یافته است. به هر روی، نسخه خطی قدیم مناقب کتابخانه فرهنگ سابق (که فعلاً در کتابخانه ابن مسکویه نگهداری می شود) نسخه ای است وقفی.

یادداشت واقف که در کناره صفحه یکم متن، در هامش خطبه ابن شهر آشوب - قدس سره - آمده، چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل مناقب آل ابي طالب من اوضح الواضحات وذكرها ومواظبتها والوقوف عليها من اعظم القربات

وبعد، فقد جعلت هذا الكتاب موقوفا على اولادى الذكور ثم الذكور من الذكور وهكذا فى كل طبقة فاذا انقرض الذكور بالمره كان موقوفا على اهل العلم وفوضت التولية الى نفسى ثم الى الحاكم الشرعى

حرره خادم المذهب الجعفرى محمد جعفر بن محمد صفى الفارسى فى شهر محرم ۱۲۷۹ هـ.

دست کم بخششی از دست نوشت - آنگونه که بشرح تر باز خواهیم گفت - سالی پیش از درگذشت نویسنده (ابن شهر آشوب) کتابت گردیده و البته چون اکثر صفحات دست نوشت به یک خط و آن هم خط راقم تاریخ مذکورست،

۲. گویا مدتی پیش دو تن از متن پژوهان قم مقدسه به احیای این اثر همت گماشته بودند، ولی دستاورد سلوک علمی این دو محقق هنوز انتشار نیافته است.

۳. می سزد برای برپایی دوباره کتابخانه پیشین در محلی ثابت و بازگشایی بخش معطل مانده آن اقدامی شود.

۴. فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان، ج ۱، جواد مقصود همدانی، ۱۳۴۹ هـ. ش.

هم اکنون فهرست کامل مخطوطات مخزن، به قلم گنجور دلسوز آن، آقای خشوعی، در دست آماده سازی است.

را ابن شهر آشوب تألیف نکرده باشد، منتفی است، چرا که خود وی در معالم به بخش مربوط به امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ارجاع کرده و ابن طاووس نیز از این بخش بهره هایی را نقل کرده است.

حسین بن جبر، مناقب را تلخیص کرده و «نخب المناقب» نام نهاده است. اوصافی که ابن جبر برای مناقب آورده، موجود این پندارست که نسخه مناقب موجود در دست او، از مناقب موجود نزد ما کامل تر بوده است.

یافت نشدن برخی مطالب موجود در نخب در مناقب موجود نزد ما، در کنار کاستی پایانی کتاب، مسلم می دارد که مناقب ابن شهر آشوب تمام و کمال به دست ما نیفتاده و مناقب متداول و موجود، تلخیص یا تحریر یا شکل دیگری از مناقب شهر آشوب است.

شاید ابن شهر آشوب در دو مرحله مناقب را تدوین کرده باشد: در مرحله نخست در همین حجم و حد مناقب موجود؛ و در مرحله سپسین، با افزایش حجم قبلی و ادامه مطالب، مانند نگارش بخش مربوط به امام مهدی (عج). مناقب موجود در دست ما، به مادر نسخه ای از مرحله یکم، نَسَب می رساند و از افزایش و تکمیل ثانوی بی بهره مانده است.

ابن شهر آشوب اثر دیگری دارد که ظاهراً تکمیلگر نقش مناقب اوست. این اثر «مثالب النواصب» است که مؤلف خود در معالم العلماء و در اجازه ای که به علی بن جعفر جامعانی داده، از آن یاد کرده است. گرچه از مثالب نسخه ای در دست هست، اما - مع الاسف - هنوز به طبع نرسیده است.<sup>۲</sup>

از آنجا که آثار دیگر ابن شهر آشوب - چون معالم العلماء و متشابه القرآن و مختلفه - به سخن بنیادین نوشتار ما نمی پیوندند، از یادکرد آنها چشم می پوشیم.

### دست نوشت عتیق مناقب در اصفهان

دست نوشتی عتیق از مناقب ابن شهر آشوب در کتابخانه نوبنیاد دولتی موسوم به «کتابخانه ابن مسکویه» در اصفهان وجود دارد که در نوع خود اگر نه بی مانند، کم مانند، و بس ممتازست. بیشترین کتب خطی محفوظ در این کتابخانه، همان مخطوطات «کتابخانه عمومی اصفهان» (کتابخانه فرهنگ) است که از کتابخانه ای بسته و کم رواج به کنج طبقه فوقانی این کتابخانه نوبنیاد به پناه آمده است.<sup>۳</sup>

گنجینه دست نوشته های یاد شده اگر چه چندان عریض و طویل نیست، از جهاتی - از جمله: میراثداری یک بهره تراث فرهنگ - شهری بزرگ چون اصفهان، و همچنین احتوا بر برخی



تعلق بیشترین صفحات به این تاریخ یا اندکی پس از آن خدشه ناپذیر است می ماند صفحات نونوشته آغاز و انجام که بس کهنه و یادگار سده هفتم است.

دست نوشت بر نسخه ای که به خط مصنف - یعنی: ابن شهر آشوب - بوده عرضه گردیده و با آن مقابله شده است. در صفحه ۸۸، در حاشیه، می خوانیم - به خط قدیم اصلی (ظ.):- «بلغت المقابله بالنسخه التي بخط المصنف»؛ این نسخه خط مصنف (ره)، ظاهراً اصل و مأخذ کتابت دست نوشت موجود نیز هست، چرا که در گوشه فوقانی ص ۹۷ آمده: «بلغت المقابله بنسخه الاصل التي بخط المصنف» و در گوشه تحتانی ص ۲۸۰: «قوبل الاصل الذي بخط المصنف».

اعتماد بر این مقابله، آنگاه افزون می شود که بدانیم کاتب در کار خویش دقت و بصیرتی داشته است؛ نمونه آن، اینکه: در ص ۶۱، در حاشیه، عبارتی با رمز «صح» افزوده و در هامش نوشته: «بلغت المقابله»؛ در بالای صفحه، در گوشه چپ، آمده: «رابعة الاول من المناقب»؛ نیز: در ص ۶۵ در حاشیه: «بلغ»؛ و: ص ۷۱ و ۱۲۱ و ...، حاشیه: «بلغت المقابله». این خُرده مکتوبات، نمودار عنایتی است که بر فراز و فرود امر کتابت هزینه گردیده است.

کاتب - چنان که شیوه کاتبان آن روزگاران بوده - لفظ «فصل» را در آغاز فصول یا نام های قائلان - چون «امیر المؤمنین» علیه السلام، «الصادق» علیه السلام، «القاضی»، «عکرمه»، «ابن عباس» و ... - را به طرزی دیگرگون، ممتاز نگاشته. البته چنین نیست که در همه اسماء و همه جا این قاعده به یک منوال رعایت شده باشد.

مختصات کتابتی ویژه دست نوشت نیز سازگار با قدمت آن است، چنان که شیوه ویژه ای در کتابت همزه دارد: گاهی حذف نموده و گاهی به طرزی ویژه و جز در مواضع امروزیه قرار می دهد.

در حاشیه صفحات - چنان که رسم برخی امروزیان هم هست - عناوین کوتاهی نهاده شده که نشان دهنده محتویات و راهنمای مراجعات است؛ مانند: «حدیث الغار» (ص ۱۱۹) و «حدیث الاسراء» (ص ۱۶۴) و «صفة البراق» (ص ۱۶۶).

در حرکت و نقطه گذاری این عبارات کناری، از قلم قرمز بهره گرفته اند و البته گه گاه در نشانه گذاری های داخل متن نیز اثر این قلم قرمز وجود دارد.

نام شاعران را نیز کثیراً در کنار اشعار نوشته، مانند: «الصاحب»، «مهیار»، «ابن طوطی»، «ابن علویه» (چنین در

نسخه: تشدید بر روی یاء) ۵ «دعبل»، «ابوالحسن بویه»، «ابن حماد»، «الشریف المرتضی» و «رشید و طواط - معناه الخفاش» و ... اشارت کرده بودیم و اینک به تفصیل می گوئیم:

از آغاز دست نوشت تا ابتدای صفحه ۱۹ به خط کاتب دیگری، جز کاتب متن اصلی است. همچنین از ص ۴۳۹ تغییر قلم و کاتب در کار است، ولی مرکب و خط تا حدی شبیه همان است که بود. ناگفته نماند که کاتب این آغاز و انجام الحاقی یک تن (ابوالقاسم حلّی) است.

متن نسخه در ص ۴۵۹ با این عبارات به پایان می رسد:

«تم الجزء الثاني من مناقب آل ابی طالب - علیهم السلام - مما صنّفه محمد بن علی بن شهر آشوب السروی المازندرانی رضی الله عنه وارضاه یتلوه الجزء الثالث ما تفرّد به من الفضائل علیه السلام ان شا الله تعالی و صلی الله علی سیدنا و مولانا محمد النبی وآله الغرّ الدّهر الميامین»

و بر هامش به نظمی ویژه نوشته شده:

«غلق هذا الكرّاس والكرّاس الاول تتممه الكتاب المقتدر الى رحمة الله تعالی وشفاعة محمد وآله علیهم السلام ابوالقاسم بن اسمعيل بن عنان الكتّبی الوراق الحلّی فی اواخر شهر رجب المبارك من سنة ثمان وخمسين وستمایه غفر الله لمن نظره ودعا له بالمغفرة».

سند بسیار مهم بلکه مهم ترین سند تاریخ گزاری نسخه، همانا ترقیمة جزء یکم است که به خط قدیم و اصلی است. ترقیمة جزء یکم این است:

«تم الجزء الاول و تلووه الجزء الثاني باب الامامة ان شا الله والحمد لله رب العالمین و صلوته علی سیدنا محمد النبی قاله الطاهرین و سلم تسليماً وافق الفراغ من نسخه يوم السبت سادس عشر شهر رجب من سنة سبع وثمانین و خمس مایه كتبه العبد الفقير الى رحمة ربه وشفاعة نبیه محمد صلی الله علیه وآله جعفر بن احمد بن الحسين بن قمرويه الحایری حامداً لله و مثنياً علیه ومصلياً علی نبیه صلی الله علیه فرحم الله من نظر فيه ودعا لکاتبه و مستکتبه بالمغفرة والرضوان ولله الحمد».

۵. استاد جمشید سروشیار (مظاهری) این نام را «علویه» (به تشدید لام)؛ و در جزء واپسین بی تشدید، چون: سیبویه) صحیح می دانند و «علویه» را قرآنی بی دقت و سهواً می شمارند.



«إزاحة العلة في معرفة القبلة» الذي كتبه ٥٥٨. وقد قرأ عليه «المفيد في التكليف» الشيخ محمد بن جعفر المشهدی في شهر رمضان ٥٧٣، كما صرح به محمد بن المشهدی في «المزار»، وقرأ عليه السيد فخار بن معدفي واسط في سنة ٥٩٣ كما ذكره في كتابه «حجة الذاهب». وكتب إجازة للسيد محیی الدین محمد بن عبدالله بن زهرة ولو والده عبدالله في ظهور «كفاية الأثر» في ٥٨٤، كما ذكرت صورتها عن خطه في الجزء الثاني من «معادن الجواهر» وقد ألفه لالتماس الأمير العالم الزاهد فرامر بن علی البغواتی الجرجانی بعدما سأله في مكة في تلك السنة. وقرأ شاذان بن جبیر ثیل «معالم العلماء» لابن شهر آشوب (٥٨٨م) علی مصنفه كما في سند بعض نسخ معالم العلماء.<sup>٧</sup>

در برگ‌هایی از آغاز دست‌نوشته آثار دیرین نم‌دیدگی هویدا است، ولی خوشبختانه آن اندازه نیست که نتوان دست‌نوشته را قرائت کرد و افزون بر این، فرسودگی‌های اندک این چینی در این گونه نسخ عادی است.

این نسخه حواشی کوتاه و بلندی داشته که با دقت و ظرافت تراشیده شده<sup>٨</sup> و هم‌اکنون خواندن آن حواشی میسر نیست (ص ٦٤، ١٧٧).

اما حاشیه دست‌نخورده نسبتاً سالمی هم می‌توان یافت؛ مانند ص ٣٣٨ که متأسفانه بخشی از حاشیه سمت راستش در برش کاغذ از میان رفته (: ... شیخ المفید رحمه الله فی الارشاد وهم ... الخ).

یادداشت‌های آغاز و انجام و پیرامون دست‌نوشته کم نیستند و گاه دارای اهمیت تاریخی‌اند. نمونه را، دورادور ص ٤٥٩ دست‌نوشته، آکنده از یادداشت‌های پراکنده است. چون گنجایی نوشتار و شکیبایی خواننده کرانمندست، در اینجا چند یادداشت ثبت افتاده بر صفحه عنوان جزء نخست را گزارش می‌کنیم:

#### عنوان جزء یکم:

الجزء الأول من کتاب مناقب آل ابی طالب علیهم السلام مما جمعه محمد بن علی ... ابن شهر آشوب السروی المازندرانی رضی الله عنه

یادداشت‌های صفحه عنوان جزء یکم:

١) نظر فی هذا الكتاب العبد ... رحمة ربه ... بن محمد

ابن ... ابن شیث بن حسین ابن جابر ابن علی بن سیف ابن النظر الهاشمی حامد [١] لله تعالی ومصلياً علی خير خلقه محمد المصطفا [كذا] وعلی المرتضا [كذا] وفاطمة الزهرا وخديجة الكبرى والحسن الرجي ...

٢) ... هذا الكتاب المبارك العبد الفقير الراجي رحمة ربه اسمعيل بن علی بن ... البغدادی حامد لله تعالی ومصلياً علی خير خلقه محمد المصطفا وعلی المرتضا وفاطمة الزهرا و ...

٣) نظر فی هذا الكتاب المبارك حسن بن محمد بن موسی بن محمد بن ابی الرجا [حرف آخر در موضع برش وراست: ابی الرحيم ... ؟] بن سالم يعرف بابن زعفران كتبت سلخ ربع الاول سنة خمسة وخمسين وسبع ... [بریدگی کاغذ؛ طبعاً: سبع مائه].

ناگفته نماند که مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی از یک نسخه مناقب موجود در خزانه مرحوم حاج ملاعلیمحمد نجف آبادی در نجف اشرف خبر داده است که گویا از روی همین نسخه اصفهان استنساخ گردیده است.<sup>١١</sup>

باری، ما برای اطلاع خوانندگان و خواهندگان بزرگوار از کیفیت ضبط نص دست‌نوشته عتیق اصفهان، صفحاتی از دست‌نوشته را با نسخه چاپی چهارجلدی دست‌گرد<sup>١١</sup> پژوهندگان که انتشارات علامه (قم) منتشر نموده، سنجیدیم و بیشترین ناهمگونی‌های با اهمیت و بی‌اهمیت را گزارش کردیم.

تنها از خواننده چشم می‌داریم که به یاد داشته باشد، صفحاتی از آغاز و پایان نسخه، یادگار سده هفتم است و قسمتی از مقابله ما شامل همین صفحات است. که حدود دقیقشان پیش از این آمده؛ پس لزوماً پریشانی‌های صفحات نوشته را به حساب اصل قدیم نتوان گذاشت.

٧. طبقات اعلام الشيعة (الثقات العيون)، ص ١٢٨.

٨. چرا؟ وکی؟؛ نمی‌دانیم.

٩. در اینجا در دست‌نوشته پارگی و فرسودگی رخ نموده است.

١٠. بستجید با: «الذريعة»، ج ٢٢، ص ٣١٩.

١١. این بنده تعبیر «دست‌گرد» را بیشتر از تعبیر ثقیل «متداول بین ایدی» می‌پسندد.

آغاز جزء یکم:  
صفحه و سطر

صفحه ۲:

وبه نستعین	۲ سطر
الاقوال	۱۱ س
القی	۱۴ س
انصفهم	۱۴ س
الاجابة	۱۵ س
اشهرهم	۱۶ س

صفحه ۳:

مقابل	۴ سطر
غرّوا	۶ س
باطلة	۶ س
كبيراً	۷ س
بنی (كذا!)	۹ س
بعضهم	۱۰ س
سدّ الابواب	۱۵ س
صالح المؤمنین	۱۵ س
یروی	۱۶ س
یجرحون	۱۸ س

صفحه ۴:

یذکرون	۳ سطر
حدیث الباب	۴ س
الاسد	۴ س
السفرجل	۴ س
النساء من	۹ س
انكرت	۹ س

صلی اللہ علیہ وآلہ	۱۴ و ۱۵ س
قال ان بنی هشام	۱۵ س
فلا اذن لهم	۱۵ و ۱۶ س
صلی اللہ علیہ وآلہ	۱۶ س

صفحه ۵:

صلی اللہ علیہ وآلہ	۳ سطر
خطاء	۳ س
لرسلمهم	۱۸ س
الضّالّین	۱۹ س
یعمد	۲۰ س
یستند	۲۰ س

دست نوشت

وَبِه التَّحَّة  
الأحوال  
الغی (شاید دستکاری شده باشد)  
زیر لفظ نوشته شده: مسلم  
الأخائه  
زیر لفظ نوشته شده: الطبری

مقابله  
غرور  
الباطل  
كثيراً  
نبی  
زیر آن نوشته شده: البخاری  
زیر آن نوشته شده: البخاری  
زیر آن نوشته شده: الواقدی والواحدی  
تروی  
زیر آن نوشته شده: الجاحظ

يُنكروُنَ (بی نقطه دو حرف نخست)  
زیر آن آمده: ابوداود السجستانی.  
زیر آن نوشته شده: احمد بن حنبل.  
زیر آن آمده: [ : ناخوانا ] ابن شاهین  
زیر آن نوشته شده: عکرمه المفسر  
زیر آن آمده: الحجاج بن یوسف  
علیه السلام  
زیر آن نوشته شده: البخاری و ابن شاهین  
فلا اذن لهم ثم [ : حرف یکم بی نقطه ] الاذن لهم  
علیه السلام

علیه السلام  
خطأ  
للذین آمنوا  
الظّالّین (كذا!!!).  
نَعَمَدُ (باهمین حرکات ولی بی نقطه؛ به قیاس مورد بعدی نقطه نهادیم).  
نَسْتَدُ



خطی	چاپی	آغاز جزء دوم: صفحه ۲۴۵:
+ ربّ یسر و اعن		سطر ۱
+ عن علی علیه السلام (نام مبارك «علی» علیه السلام را بتقریب و قیاس و برغم آسیب دیدگی خواندیم).		س ۲
قال	قوله	س ۵
علیه السلام	ع	س ۸
علیه السلام	صلی الله علیه وآله	س ۱۴
نیفون	ینفون	س ۱۴
-(ندارد)	قال	س ۱۷
بالأثره	بالاثارة	س ۱۷
العلم قایماً	علم قائماً	س ۱۷
خافی	خائف	س ۲۰
مأمور مامول	مأمور مأمور	س ۲۰
		صفحه ۲۴۶:
علیه السلام	ع	سطر ۱۲
بیت حمیری اصلاً به شکل دیگری است.		س ۱۴
أنف	أنف (کذا؛ غلط چاپی)	س ۱۷
أشتمّ	أشتم	س ۱۷
قال	قلت (اول)	س ۱۹
الجوارح حَقَّقَه	الجوارح	س ۱۹
یصحح	یصحح لها	س ۲۴
		صفحه ۲۴۷:
هم	فهم	سطر ۲
جميع	وجميع	س ۴
فوصی لاسراه	الافی السراة	س ۹
حُها لهم سَادوا	جها لهم ساودا	س ۹
ذلک الی الامر (خطکی روی الی هست ولی ظ . خط اصلاح نیست بلکه عارضه دست نوشت است .)	ذلک الامر	س ۱۶
الآیة (اول «الآیات» بوده، به قلم اصلی اصلاح شده).	الامامة	س ۱۷
لا یجوز	لا یجیز	س ۲۲
		صفحه ۲۴۸:
ال محمد علیهم السلام	آل محمد	سطر ۲
انّ اولی	اولی	س ۹
-(ندارد).	علیه السلام	س ۱۰ و ۱۲

چون دست نوشت عتیق اصفهان، تا پایان جزء دوم را دارد برای ترتیب دادن متن کامل مناقب باید به نُسَخی چون نسخه کهن کتابخانه عمومی مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی و نسخه تبریز رجوع کرد، که به مناسبت، وصفی از این دست نوشت اخیر دور از دسترس می آوریم:

### دست نوشت تبریز

دست نوشتی کهن از مناقب در «کتابخانه و قرائتخانه ملی تبریز» هست که عکس آن را حضرت علامه آیه الله سید محمدعلی روضاتی - دامت افاضاته - برای استفاده در اختیار بنده نهادند.

این دست نوشت از آغاز جزء پنجم تا اواخر کتاب را داراست - و به عبارت گویاتر تا معادل صفحه ۴۱۷ از جلد دوم چاپ سنگی تهران (که این جلد ۴۷۲ صفحه دارد). مابقی کتاب تا نهایت به خطی متأخر است.

بنا بر یادداشتی بر رویه یکم دست نوشت از علی بن موسی ثقة الاسلام بن محمد شفیع ثقة الاسلام بن محمد جعفر بن محمد رفیع بن محمد شفیع خراسانی الاصل تبریزی المسکن، جدّ اعلای ایشان مرحوم میرزا محمد رفیع کتاب مذکور را بر اولاد ذکور صلیبی خود وقف نموده است.

تاریخ کتابت این دست نوشت ۷۷۷ هـ. ق است.

اینک دو ترقیمة بخش قدیم دست نوشت:

(۱) تم الجزء الخامس من کتاب مناقب آل ابی طالب علیهم السلام مما جمعه محمد علی بن شهر آشوب السروی المازندرانی رضی الله عنه وافق الفراغ من نسخة يوم الخميس ضحی نهار سادس ذی القعدة الحرام من سنة سبع وسبعین وسبعمائه احسن الله خاتمتها.

(۲) تم الجزء السادس من مناقب آل ابی طالب مما جمعه محمد بن علی بن شهر آشوب السروی المازندرانی رضی الله عنه وارضاه و جعل الجنة منقلبه ومثواه نجز تعلیقه بحمد الله وعونه وحسن توفیقه يوم الاثنين الزوال رابع وعشرين ذی القعدة الحرام سنة سبع وسبعین وسبعمائه هجرية والحمد لله رب العالمين وافضل الصلاة والسلام على سيد الاولين والآخرين محمد وآله الطاهرين وصحبه اجمعين؛ يتلوه الجزء السابع ....

### چاپ سنگی منقح

چاپ سنگی پاکیزه و خورند عنایتی است از مناقب در دست است که در دو جلد به طبع رسیده است. مصحح آن

مرحوم شیخ محمود بروجردی، و کاتب آن احمد تفرشی بوده است.

بر هامش واپسین صفحه متن مناقب از دفتر دوم شرحی به قلم مرحوم شیخ محمود بروجردی آمده بدین متن:

«بسم الله الرحمن الرحيم وله الحمد على اكمال الدين واتمام النعمة والصلوات الزاکیات على رسوله نبی الرحمة وآله و اوصیائه هداة الحق و ولاة الامة، يقول اللانذ بالرب الودود الشيخ محمود البروجردی - نور الله قلبه - ابن المرحوم الحاج الملا صالح - طاب مضجعه - لما وفقني الله تعالى للمراجعة في اصلاح هذا الكتاب المستطاب وتصحيحه وساعدتني السعادة للنظر في تصحيحه وتنقيحه شمّرت لان اصلاح بعض ما افسده النساخ مع ما قيل: «ولن يصلح العطار ما افسد الدهر» فبلغت بحمد الله بعض منای وجاء الكتاب بعونه تعالى اصح الكتب المطبوعة حيث التزمته قدر الوسع بان يكون جميلاً بعد ما صيره اخلال الايادی عليلاً فمضى على شهوّر بل اعوام الى ان نلت المرام وبلغ الختام ربّما اوضحت بعض الالفاظ او علّقت عليه شيئاً يليق به في الضبط والاحتفاظ تزييناً للحاشية وتذكرة لنفسی وارمزت فيما انتسب اليّ عن الاشارة الى الاضافة بصورة عدد مطابق لاسمى وهي هذه (۹۸) فالمرجو دعاء الاخوان وعلى الله الاجابة والغفران وانتهى الاختتام بايام آخرها عاشر ربيع الاول سنة ۱۳۱۷».

(چ سنگی، ج ۲، ص ۴۷۲)

بیان این دانشور فروتن و محقق امین چندان ملیح و گویاست که خواننده دیده و راز هر روشنگری درباره این بهره، خود، بی نیاز می سازد؛ می افزایم که: این چاپ از حیث ضبط و حواشی گوناگون - به ویژه حواشی ویژه مصحح فقید به رمز ۹۸ - و فصلی که خود مرحوم شیخ محمود با بهره گیری از مآخذ و اسناد در ترجمه مصنف - علیهما الرحمة - پرداخته و به پایان مجلد دوم ملحق ساخته - و این خود آیتی از تدقیق و تحقیق





پیشینیان است، بس عزیز و نفیس است؛ و بی هیچ مبالغه از چشم انداز صناعت نقد و تصحیح متون اثری ممتاز بشمار است.

پیشوای کتاب شناسان امامیه در «الذریعة» در وصف این طبع مناقب ابن شهر آشوب گوید: «منقحاً لطيفاً».<sup>۱۲</sup> رجوع به این طبع برای ترتیب دادن متن علمی-انتقادی مناقب در بایست است و برآستی یاوری نیکو برای پژوهنده متن به شمار می رود.

### نمایی از پیچیدگی تحقیق مناقب

برای آن که بهره ای از پیچش کار تصحیح مناقب ابن شهر آشوب و اهمیت به کار گرفتن دست نوشت عتیق مورد بحث ما، باز شناخته آید، می سزد بخشی از یادداشت استاد سید هاشم رسولی محلاتی، مصحح طبع چهار جلدی قم، را در اینجا، به پارسی بازگردانده، بیاوریم:

«... حال آنکه نسخ موجود نزد من بغایت مغلوط بودند، پس در تصحیح به بسیاری از مآخذ کتاب-در مورد حدیث یا شعر-مراجعه کردم و جانم را در مراجعه به موسوعات بزرگی چون کتاب بحار الأنوار علامه مجلسی (ره) و اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات نوشته محدث حرّ عاملی (قده) و معجم الادباء یاقوت حموی و جز آن به رنج افکندم و چه جهدها که مبذول داشتم! با این همه خویش را از لغزش تبرئه نمی کنم و این رهوار را به شرط به سر در نیامدن نمی فروشم چرا که عصمت معصومان از ویژگی های دارندگان آن است، از پیشوایان و پیامبران.

سپس حین چاپ از نسخه چاپ نجف آگاه گردیدم و در آن اضافات و تغییراتی-مانند زیادت لفظ «قال» در اوّل نامهای شعرا، و جز آن-یافتیم که در دیگر نسخه ها و مصادر یافت نمی شد. برای حفظ و ادای امانت و-اگر نگویم: بعلم-بظن اینکه آنها نتیجه تصرف ناسخ یا طابع است، متعرضشان نگردیدم».<sup>۱۳</sup>

### تحقیق جدید مناقب

تا امروز دست نوشت های مغلوط و دیگر پیچش های راه تصحیح و تحقیق مناقب، مانع از آن آمده اند که یک «متن علمی-انتقادی» سازگار با موازین پذیرفته آیین نقد و تصحیح متون، از مناقب ابن شهر آشوب، تهیه و منتشر گردد. ولی اکنون با در دست بودن منابع و مآخذ مخطوط و مطبوع گوناگون و پیشرفت هایی که در زمینه طبع و نشر متن های مهم

حدیثی و کلامی شیعه و سنی دست داده، و به ویژه با بهره جویی از این دست نوشت عتیق مناقب که در اصفهان هست، می توان قدری مجهزتر پای در راه نهاد.

این بنده به سائقه دل بستگی فراوانش به این متن و حوزة پژوهشی، از دشواری و صعوبت کار پروا نکرد و به امید یاری خداوند متعال و عنایت خاندان وحی-صلوات الله وسلامه علیهم-، پس از بررسی برخی جوانب، تحقیق و تصحیح کتاب را بر بنیاد همین دست نوشت و مآخذ مطبوع و مخطوط گوناگون آغاز کرده است و امید می برد در فاصله ای نه چندان دور، دست کم متن دو جزء آغازین مناقب را به ریختن آبرو مند و سزاوار نام بلند کتاب آماده و عرضه کند.

از این رو از همین جا دست مددجویی به سوی همه آگاهان و دیده وران دراز می کنم و از ایشان می خواهم مرا در تحقیق این کتاب-که به یقین لقمه ای از حوصله طالب علمی خرد، بیش است-مدد رسانند.<sup>۱۴</sup>

از بزرگ ترین دلگرمی های این ناچیز در این دل به دریا زدن، رجا به استفاضه از محضر ارجمند حضرت علامه آیت الله حاج سید محمدعلی روضاتی-متّعنا الله بطول بقاء وجوده الشریف- است که «جهانی ست بنشسته در گوشه ای»؛ و ایشان خود بارها بر ضرورت تحقیق مجدد مناقب پای فشارده اند و از پیش با این کار و دست نوشت عتیق اصفهان نظری داشته اند.

۱۲. الذریعة، ج ۲۲، ص ۳۱۸.

۱۳. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، انتشارات علامه، ج ۴، ص ۴۴۴.

۱۴. در طرح پژوهشی ما نه تنها مناقب موجود به روایت دست نوشت ها، بلکه ضبط پاره های بازمانده اثر به روایت ابن طاووس (ر. ک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۴۰۰) و... و نیز فهرس و تخریجات وجود دارد. امید می رود این مجموعه در چند دفتر منتشر گردد.

## نسخه ای نادر از

## الحدائق البديعية في الانواع الادبية

سیدحسین فاطمی

بدیع از جمله علمی است که در چند قرن اخیر به فراموشی گراییده و تنها در مراکز آموزشی به تدریس بخشی از این علم اکتفا می شود و شاعران و نویسندگان نیز در عمل تنها معدودی از صنایع بدیع را به کار می برند. حال آن که در آثار گذشتگان انواع صناعات بدیعی به کار می رفته و عنایتی ویژه به بهره گیری از آنها بوده است.

در قرن های اخیر رفته رفته چنین فکری رواج یافت که به کار بستن بسیاری از صناعت های علم بدیع لغو است و گاه سبب مشکل بودن درک عبارت می گردد. اما باید توجه داشت که این صناعت ها در کجا به کار می روند؛ برای مثال اگر متنی درسی یا تحقیقی علمی بی الف یا بی نقطه نگاشته شود، نه تنها نویسنده، عمر خود را ضایع ساخته، که با اهداف آموزشی و تحقیقاتی نیز مغایرت دارد؛ زیرا علاوه بر دشواری فهم معنی، مزیتی بر متن های معمولی نیز نخواهد داشت.

با توجه به جاذبه این گونه متن ها، کاربرد این فنون در تدوین آثاری در مدح معصومین (ع) و یا تشویق برای حضور در عرصه های گوناگون حیات و مبارزه، از مصادیق لغو نخواهند بود.

مقامات حریری نمونه ای است که جاذبه فنون علم بدیع را نشان می دهد. چرا که مقامات حریری از متون کهنی است که با استفاده از انواع بدیعی تدوین یافته و شاید بتوان کتابخانه بزرگی را در جهان یافت که یک یا چند نسخه خطی مقامات حریری در آن وجود نداشته باشد.

روشن ترین دلیل بر لغو نبودن صنایع بدیعی، کاربرد این صناعت ها در قرآن کریم و استفاده حضرت امیرالمؤمنین (ع) از این فنون است. نهج البلاغه که همواره سرمشق سخنوران بوده و شیوه رسایی و گیرایی سخن را به آنان آموخته است، سرشار از این آرایه های لفظی و معنوی است.

از جمله آثار برجسته ای که در زمینه علم بدیع نگاشته شده و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ت احسن ما یبشده به معانی المعانی حد من خص بدیع النبیان  
التوع الانسانی واولی ما یقرن به محاول تبیین الامجاز القرآنی شکو  
من مع البلاغ بان البیان لا یفیط نور الکلام القرآنی سبحانه من  
له شهد وجود کل موجود بانّه واحد بلا تانی و لیسر له عن مراده مراد  
لا تانی والصلوة والسلام علی اکرام الرسل واسعدهم وانسهم واحمدهم  
قد المرسل لامة سددها واصول مهتدا واحکام اکتها وعلی الیوم الحاکم  
بالبیضاء و احزابه الذین هم مشکوة انوار و کونوا ائمة عدد امطار السماء  
بمدد کلام العلاء اما بعد فبقول المفتقر الی مر به الملتان یوسف المشهور  
بالبدیعی بین الاخوان قد امر فی بعض العلویین من اشراف الخلیفین لما  
لی البدیع علی بلوغ من الحسن الغایات ومن خصایصه انه یتوصل به  
بکلمة امجاز الایات ان اجمع فیه کتابا یكون بمنزلة نبوءة مشتملا علی  
اصولة وفروعة فامتثلت امن اللطیف وابتغت ربه الشید و جعلت  
کتابا باشی لا یضرب البیان حا واما تفرق من انواع التیان و جعلت  
الحدائق البديعية في الانواع الادبية